**نشست علمی نقد و بررسی نظریۀ "نخبه گرایی مشارکتی"**

مسئله ای که انگیزۀ شکل گیری نظریه و کتاب "نخبه گرایی مشارکتی" شده، تأثیر تقابل متصلب الیت- توده بر فرهنگ سیاسی است که موجب تقلیل مشارکت سیاسی مردم به شرکت در انتخابات، بازتولید ساخت اقتدارگرایانۀ قدرت و نقایص فرایندهای انتخاب سیاسی می شود. پرسش برآمده از مسئلۀ یاد شده این است که از چه راهی می شود چنین تصلبی را شکست و به نظریه های راهگشا و مناسب تر دست یافت.

پیش از این شاهد کوششهایی برای نزدیک سازی و ترکیب دموکراسی با نظریۀ الیتیسم تحت عنوان «الیتیسم دموکراتیک» بوده ایم که نه تنها هیچ گونه تاثیری بر تصلب دوگانگی الیت- توده نداشته بلکه به آن دامن زده است. افزون بر این، چنین نظریه ای دموکراسی را به یک روش انتخابی بی محتوا فرو می کاهد. این شکست حاصل منطقی چنان التقاطی است؛ زیرا می کوشد اصطلاح "الیت" را که از ابتدای ورودش به حوزۀ سیاست در گفتمان اقتدارگرا معناسازی شده، با گفتمان دموکراتیک پیوند دهد که به طور بنیادی بر نفی اقتدارگرایی و سلطۀ یک گروه یا طبقۀ خاص استوار است. در آثار متفکرانی چون پارتو و موسکا تعریف "الیت" سیاسی بر اساس قدرت بالفعل، تعریفی دوری است. به این ترتیب هنگامی که پرسیده شود چه کسی قدرت را در دست دارد پاسخ داده می شود الیت، و اگر پرسیده شود چه کسی الیت است پاسخ داده می شود آن که قدرت دارد. این نگرش سبب هویت سازی کاذبی شده که در آن عده ای خود را به طور فطری صاحب "حق" سروری دانسته اند و گروهی نیز در جایگاه نظریه پرداز، چنین نگرشی را توجیه کرده اند.

 اصطلاح های "نخبه" و "نخبگان" نیز به سبب ترادفی که با "الیت" پیدا کرده اند مانند آن تبدیل به نوعی **"سنگواژه"** شده اند که همان تأثیر را بر فرهنگ و فرایندهای سیاسی ایران می گذارند. در حالی که "نخبگی" حامل دو عنصر ناگسستنی "زبدگی" و "انتخاب" است که آن را با "الیت" در تعریف ذکر شده متفاوت و از ظرفیتی دموکراتیک برخوردار می کند. از این منظر، "نخبه شدن" به جای "نخبه بودن" می نشیند و نخبگی، خصیصه ای ذاتی برای فرد یا گروه خاصی انگاشته نمی شود.

"نخبه گرایی مشارکتی" به منزلۀ کوششی برای پیوند دادن اندیشه ورزی سیاسی با نظریه پردازی سیاسی، مبتنی بر این فرض است که می شود با بازسازی مفهوم نخبه در گفتمان دموکراتیک به دیدگاه جدیدی رسید که در آن نخبه و مردم دو قطب متنافر و متنافی نیستند. نشان دادن پیوند درونی فرایند نخبه سازی و مشارکت مردمی، بدون چسباندن و التقاط گفتمانها، می تواند بر فرایند هویت سازی سیاسی در جهت بهبود روندهای سیاسی تاثیرگذار باشد.